

<b>فهرست سید</b> <p>۹۱۷۳۵-۵۱۱ تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۲۰۰۰ نمابر دبیر خانه: ۰۵۱-۳۷۶۲۲۲۹۵ دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید سادای (سازمان آب) پایتم: ۲۰۰۰-۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان</p>	روزنامه خراسان شمالی روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ ۱۶ دی القنده ۲۰۲۵، شماره ۲۲۵۵	<b>خراسان شمالی</b>
---	---	---------------------



جنگ جهانی سوم

«مغزهای کوچک زنگ‌زده» و «قورباغه» شاید به لحاظ تمرکز روی یک باند مافیایی می‌توانستند در جاهایی باهم برابری کنند اما «سیدی» بعد از آن دوسر سراغ ساخت اثری رفت که حال‌وهوای آن با هیچ‌یک از آثارش همخوانی نداشت. داستان درباره کارگر روزمزدی است که بی‌این که خودش بخواده سر از پشت صحنه فیلمی درباره جنایات هیتلر در جنگ جهانی دوم درمی‌آورد. وقتی به او پیشنهاد می‌شود در نقش هیتلر بازی کند نمی‌پذیرد. او مجبور می‌شود تن به خواسته‌های آن‌ها بدهد و حتی اختیار تراشیدن سیبل و موهایش هم با خودش نیست. نه خواسته‌اش برای کسی مهم است و نه علاقه‌اش به دختری که از قضا او هم در این دنیا هیچ‌کسی را ندارد. مرگ دختر شروع عصیانگری اوست. بعد از آن که مدام دروغ می‌شنودو تحقیر می‌شود، عصبان می‌کند و به هیولایی تبدیل می‌شود که دیگر جان هیچ‌کسی برایش اهمیتی ندارد.

**شکب**

**بازیگر: محسن تنابنده**

«شکب» یک کارگر ساده است که فیلم باتلاش او برای یافتن کار آغاز می‌شود. او تمام خانواده‌اش را در حادثه زلزله از دست داده است در طول داستان متوجه می‌شویم که نزدیک‌ترین و تنها همدمش یک زن است، زنی که البته کر و لال است و به راحتی نمی‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند اما «شکب» به دلیل آن که مادر خودش همین وضعیت را داشته است، زبان ارتباط با او را بلد است و همین موضوع آرام‌آرام موجب نزدیکی این دو به یکدیگر می‌شود. «شکب» سرشار از غرورهای فروخورده است اما در مواجهه با سلسله اتفاقاتی که در طول داستان با آن‌ها مواجه می‌شود، آرام‌آرام به فردی دیگر تبدیل می‌شود؛ فردی که شاید اگر خودش هم قرار بود بدون تجربه‌هایی که از سر گذارند، با او مواجه شود، بعد بود او را به جای‌آورد. چرخش شخصیت «شکب» از فردی مورد ستم قرار گرفته به فردی که قصد دارد حق خود را از همه اطرافیان‌ش بگیرد درخشان از آب درآمده است. آن‌چه کاراکتر «شکور» را به شخصیتی ویژه تبدیل کرده است، خشونت ذاتی او در مواجهه با همه اطرافیان است. او گویی هیچ‌بویی از ترحم نسبت به دیگران نبرده و زمانی که از ناحیه کسی احساس تهدید کند، او را به مسلخ می‌کشاند و تفاوتی هم ندارد او چقدر در این تهدید سهیم بوده باشد. نمونه بارز آن هم ماجرای مواجهه او با سوتفاهم به‌وجود آمده درباره انتشار فیلمی از خواهرش بود. او در مقام برادر بزرگ‌تر به راحتی حکم به قتل خواهر می‌دهد و فراتر از آن حتی تاش می‌کند تا خودش این حکم را اجرایی کند!

**وحشی**



سریال «وحشی» به کارگردانی «هومن سیدی» و تهیه‌کنندگی «محمدرضا صابری» در ژانر معمایی اجتماعی تولید شده است. داستان این سریال برگرفته از ماجرابی واقعی است و همین، لحن سریال را تلخ‌تر و واقع‌گرایانه‌تر می‌کند. درامی اجتماعی با فضایی رازآلود و روان‌شناسانه که سیدی در آن تلاش کرده است ماهفیمی همچون خشونت، ناامیدی و عدالت را به چالش بکشد. «سیدی» که پیش از این با آثاری همچون «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «جنگ جهانی سوم» و سریال بحث‌برانگیز و موفق «قورباغه»، توانایی خود را در به چالش کشیدن مخاطب و ارائه روایت‌های جسورانه به اثبات رسانده بود، این بار با «وحشی» به قلمرویی واقع‌گرایانه‌تر قدم گذاشته است. سریال با تمرکز بر زندگی سخت و طاقت‌فرسای کارگران معدن، تصویری از شکاف طبقاتی را ارائه می‌دهد. سریال درباره «داود اشرف»، کارگر معدنی است که روزی دلسوزی اش کار دستش می‌دهد و وارد مسیرهای تار یک زندگی اش می‌شود. در سریال «وحشی» بازیگرانی همچون «احسان آمانی»، «جواد عزتی» و «نگار جوهریان» به ایفای نقش پرداخته‌اند.

# نگاهی به آثار مختلف کارگردان سریال «وحشی»

# تجربه های هوشمندانه «هومن»

**شکور**  
**بازیگر: قورباغ اصلانی**
«قورباغ اصلانی» در نقش «شکور» غیرمنتظره ظاهر شده است. او به خوبی توانسته است کاراکتر خودبزرگ‌پندار و تیهکار «شکور» را در جلد یک برادر بزرگ‌تر به تصویر درآورد. او هم نسبت به «شاهین» تحکم دارد و هم نسبت به همه آن کودکانی که در سیطره باند خلاف‌کار او، ناخواسته در گیر جریان مافیایی خلاف‌های کلان او می‌شوند.

**قورباغه**

اولین سریال «هومن سیدی» در شبکه نمایش خانگی، فضایی باز هم متفاوت با سایر آثارش داشت. در این سریال با فضایی غیررئال مواجه بودیم و شخصیت‌ها بر اساس منطقی ساخته و پرداخته خود داستان کنار هم قرار می‌گرفتند. شخصیت اصلی، قاچاقچی مواد مخدری به نام «نوری» بود که به خاطر در اختیار داشتن یک ماده معجزه‌سآ می‌توانست هر کسی را به انجام هر کاری وادار کند بدون این که گرفتار شود. او صورتی بی‌احساس داشت، زیاد حرف نمی‌زد، به کسی اجازه نمی‌داد با او صمیمی شود، هیچ دوستی نداشت، همیشه تنها بود و به راحتی آدم می‌کشت.

افرادی که به نحوی کنار «نوری» بودند هم به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی متفاوت با کاراکترهای معمولی بودند و مخاطبان اصلا پذیرفته بودند که در این اثر هر اتفاقی امکان وقوع دارد و با این طرز فکر با آن همراه می‌شوند.

**نوری**

**بازیگر: نوید محمدزاده**

«نوید محمدزاده» در نقش «نوری» بسیار قدرتمند ظاهر شده است. «نوری» شخصیتی پیچیده و چند لایه دارد. او کاراکتری تیزهوش و در عین حال فرصت‌طلب دارد که به خوبی می‌تواند اطرافیان خود را در راستای منافع خود به خدمت بگیرد. همین جایگاه و نسبتی که او با اطرافیان‌ش دارد، ویژگی‌هایی جنون‌آمیز به این شخصیت بخشیده است. «محمدزاده» به خوبی توانسته است در عین آرامش در ایفای نقش و بیان دیالوگ‌ها، خشونت ذاتی و بی‌رحمی این کاراکتر را در لحظه‌های خاص را هم برای مخاطب بازپدید ارائه کند و این کار ساده‌ای برای یک بازیگر نیست.

شخصیت «نوری» را در حالت عادی به سختی می‌توان دوست داشت اما کیفیت اجرای این نقش توسط «نوید محمدزاده» و مهم تر از آن کارگردانی و شخصیت‌پردازی «هومن سیدی» در مقام نویسنده و کارگردان این شخصیت را به کاراکتری جذاب برای مخاطب تبدیل کرده است؛ کاراکتری که با تمام ویژگی‌های منفی و شرارتی که در وجود خود دارد، سرنوشتش برای مخاطبان حایز اهمیت است. «نوری» گذشته‌ای سرشار از سرکوب و تحقیر داشته و همین ویژگی او را به مجسمه‌ای از حسرت‌ها تبدیل کرده است؛ حسرت‌هایی که بی‌رحمانه باید جبران شوند.

**رامین**

**بازیگر: صابر ابر**

شخصیت پیچیده «رامین» با تمام سرخوردگی‌های درونی و عصیانگری‌های بیرونی، آن قدر شخصیت متفاوتی است که «صابر ابر» مسیر دشواری برای ایفای آن پیش رو داشته است. کارنامه‌اش دارد، این‌بار یکی از جذاب‌ترین تجربه‌ها را در کارنامه‌اش ثبت کرده است.

او هم در مواجهه با «نوری» و هم در مواجهه با «فرانک»، دوقطبی‌های بسیار جدایی را خلق کرده است؛ کاراکتری که با تمام ویژگی‌های منفی از جذابیت سریال را به دوش می‌کشد. رامین را می‌توان شخصیتی دانست که در عین اشراف به ضعف خود، نمی‌خواهد ضعیف و آسیب‌پذیر باشد.

«رامین» هم خلاقکار است و می‌خواهد از راه خلاف و غیرقانونی به درآمد کلان برسد و هم تلاش دارد برای این اعمال خلاف خود، اصول و قواعد اخلاقی وضع کند! همین ویژگی‌ها هم او را به کاراکتری متمایز و جذاب تبدیل کرده است. او هر چند از سر منفعت سراغ از عشق سابق خود می‌گیرد اما حواس‌ش هست که فاصله‌اش با او را حفظ کند تا در مسیر تازه زندگی‌اش تنها برای ریسک‌هایش هزینه بدهد نه برای قلب و احساساتش.

شخصی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «حنا سرافراز» همین هوادر پروپاقرص است. او از شدت علاقه مفرطی که به «خسرو» دارد، آرام‌آرام به او نزدیک می‌شود و در مسیر عنینت بخشیدن به رویاهایی که در سر دارد، به اقداماتی غیرمنتظره دست می‌زند. تغییر مداوم زمان فیلم و شیوه روایت آن باز هم نشان می‌دهد که «سیدی» این بار هم به دنبال تجربه‌ورزی است.

**حنا**

**بازیگر: طناز طباطبایی**

«طناز طباطبایی» تجربه‌های موفق بسیاری را در کارنامه خود دارد اما می‌توان نقطه اوج گرفتن او در بازیگری سینما را ابتدای دهه ۹۰ دانست، همان مقطعی که در نقش اصلی فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» ظاهر شد و نقش قربانی تعرض را به بهترین شکل ایفا کرد. «طباطبایی» در ادامه همین تجربه در میانه همین دهه ۹۰ با ایفای نقش «حنا» در فیلم «خشم و هیاهو» بخش دیگری از توانمندی‌های خود را به رخ کشید. او برای همین نقش توانست نامزد دریافت سیمرغ بهترین بازیگر زن از جشنواره فیلم فجر شود. آن چه کاراکتر «حنا» را به کاراکتری خاص و متمایز تبدیل می‌کند، جنس متفاوت عشق و علاقه‌ای است که در طول داستان فیلم نسبت به «خسرو» بروز می‌دهد. اساسا محور اصلی داستان «خشم و هیاهو» همین عشق نامتعارف است. «حنا» که شرایط را به سمت و سویی می‌برد تا «خسرو» ناگزیر از تن دادن به رویاهایش شود، نمی‌تواند جلوی زیاده‌خواهی‌های خود در تحقق رویاهاش را بگیرد و همین سوسه‌برای زندگی در جهان رویاها، واقعیت جاری در زندگی روزمره را برای او و همه اطرافیان‌ش، به یک کابوس تبدیل می‌کند.

**مغزهای کوچک زنگ‌زده**



«سیدی» بعد از «خشم و هیاهو» بار دیگر دست به تجربه‌ای جدید زدو با «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، اثری پیش‌روی مخاطبانش گذاشت که تپش از آن نمونه‌اش در میان آثارش دیده نمی‌شد. داستان در فضای حومه شهر روایت می‌شد و شخصیت‌هایش افرادی بودند که از کمترین سطح رفاه و امکانات زندگی به‌رهای نداشتند. شخصیت «شکور» برای خودش یک گروه مافیایی سروسامان داده و با افراد زیردستش بسیار بدرفتار می‌کند. بی‌رحم‌ویی مغزاست و برای خودش وارد نشدن به موقعیتش حاضر است از همه چیز بگذرد. فضای این اثر «سیدی» به نسبت سایرین کمتر شناخته‌شده بود و خیلی‌ها به همین دلیل نتوانسته بودند با حال‌وهوای آن ارتباط بگیرند. با این حال «مغزهای کوچک زنگ‌زده» فیلمی نمادین به نظر می‌رسید و «سیدی» قصد داشت به‌واسطه آن برخی کاستی‌ها را به نقد بکشد.

**شاهین**

**بازیگر: نوید محمدزاده**

نقش «شاهین» در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از آن نقش‌هایی است که بعد است الان بتوانیم او را در قالب بازیگر دیگری جز «نوید محمدزاده» تصور کنیم. برده‌های ویژه‌ای از نقش‌آفرینی «نوید محمدزاده» در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» در فضای مجازی دست به دست شده است که یکی از شاخص‌ترین آن‌ها همان لحظه‌ای است که متوجه گذشته خود دروغی که خانواده‌اش به او گفته‌اند می‌شود. آن چه کاراکتر «شاهین» را در حافظه مخاطبان ماندگار کرده، کشش گری پایانی او در واکنش به تمام آن چیزی است که اطرافیان او در تحمیل کرده بودند. او زمانی که متوجه واقعیت‌ها درباره زندگی گذشته خود می‌شود، دیگر حاضر نمی‌شود چشم‌پسته‌تن به شرایط بدهد و ترجیح می‌دهد بر هر آن چه غلط می‌داند، برآشوبد. او حتی در نقش ناجی ظاهر می‌شودو تصمیم می‌گیرد خواهرش را که در معرض جدی‌ترین تهدیدها از سوی خانواده است، از مهلکه فراری دهد و زمینه خلاص شدن او از آن شرایط دیوانه‌وار را فراهم می‌کند.

نمی‌دادند. او مدام تنها بود و دل این تنهایی به جوانانی پناه می‌برد که خودشان زندگی قابل‌قبولی نداشتند. داستان فیلم در اکیاتان روایت می‌شد و از ساختمان‌های بلند و اسکلت بناهای نیمه‌کاره و دیوارنوشت‌هاو... به نفع انتقال احساسات شخصیت‌ها و معنای فیلم کمک گرفته شده بود.

**اعترافات ذهن خطرناک من**



فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» یکی از عجیب‌ترین تجربه‌های «هومن سیدی» در فیلمسازی است. «سیدی» بعد از فیلم‌های «آفریقا» و «سیزده» این بار سراغ سینمای تجربی رفت و تلاش کرد تا در این تجربه، فضای آشفته ذهن یک مصرف‌کننده مواد روان‌گردان را به تصویر درآورد. «قورباغ» کاراکتر اصلی روایت این فیلم است و مادر واقع در طول فیلم داریم رفت و برگشت‌های او میان دنیای واقعی و آن چه به‌صورت آشفته در ذهن او می‌گذرد مشاهده می‌کنیم. فضای جوانانه و التهاب‌های روحی شخصیت‌ها تا حدی می‌توانست آن را در امتداد دو فیلم دیگر «سیدی» قرار دهد اما شیوه روایتی متفاوت با آن‌ها داشت.

**فرهاد**

**بازیگر: سیامک صفری**

«سیامک صفری» برای ایفای این نقش توانست نامزد دریافت سیمرغ بلورین از جشنواره فجر شود اما این جایزه را شکار نکرد. چالش اصلی «صفری» در ایفای نقش «فرهاد» در فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» به تصویر درآوردن تردیدها و ترس‌های این کاراکتر در موقعیت‌هایی است که حتی نسبت به واقعی بودن آن‌ها هم هیچ اطمینانی ندارد! اساسا بازی در نقش کاراکترهای روان‌پریش برای بازیگران تجربه‌ای وسوسه‌برانگیز است اما واقعیت این است که قبول بازیگران در این نقش‌ها از سوی مخاطب هم یک چالش جدی است. «سیامک صفری» به‌خوبی توانست از پس این چالش بربیاید. «به غریزه اعتماد کن!» این دیالوگ یکی از دیالوگ‌های کلیدی در فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» است که بارها آن را از زبان فرهاد می‌شنویم. داستان فیلم در طول ۲۴ ساعت روایت می‌شود هم در همین مدت زمان ما قرار است با دنیای ذهنی «فرهاد» همراه شویم تا شاید بتوانیم همراه با خودش، هویتش را پیدا کنیم. او در ابتدای فیلم هیچ‌چیز را به یاد نمی‌آورد و رفت‌رفته براساس نشانه‌هایی که در اطراف خود کشف می‌کند متوجه گذشته آشفته و هویت مخدوش خود می‌شود؛ هویتی که به‌شدت از مصرف مواد روان‌گردان آسیب دیده است.

**خشم و هیاهو**



«خشم و هیاهو» به نسبت سه فیلم قبلی «هومن سیدی» داستان گوثر است و مخاطبانی با هر طیف سلیقه‌ای را با خودش همراه می‌کند. البته شیوه روایت خطی نیست و شاید از این جهت اثری ساده و به‌راحتی قابل درک به نظر نرسد. شخصیت اصلی فیلم «خشم و هیاهو» یک خواننده مشهور است به نام «خسرو پارسا». او که در عرصه موسیقی چهره‌ای شناخته‌شده و بسیار محبوب است، در مواجهه با یک هوادار پروپاقرص دچار چالش می‌شودو همین چالش هم زندگی

**گروه سینما و تلویزیون-** «هومن سیدی» بعد از تجربه ساخت پنج فیلم سینمایی و یک سریال، روزهای دوشنبه هر هفته با سریال «وحشی» بار دیگر تجربه‌ای را در شبکه نمایش خانگی به ثبت رسانده است. او از جمله کارگردان‌هایی است که سعی می‌کند در هر یک از آثارش دست به نوآوری بزند و تجربه‌ای جدید و هوشمندانه به ثبت برساند، به همین دلیل هم خیلی کم پیش می‌آید بتوانیم آثار مختلفی‌ش را باهم مقایسه کنیم یا آن‌ها را در ادامه هم بدانیم. به بهانه بخش اثر جدید «هومن سیدی» نگاهی داریم به آثار مختلف این کارگردان و همچنین فضا و شخصیت‌های خلق شده در آثارش از اواخر دهه هشتاد تا به حال. از فیلم اولش «آفریقا» که اثری متفاوت بود تا فیلم «جنگ جهانی سوم» که نظرات موافق و مخالف زیادی درباره اش بود و سریال «وحشی» که ۵ قسمت آن تاکنون منتشر شده است.

**آفریقا**



«آفریقا» اولین تجربه کارگردانی «هومن سیدی» بود؛ فیلمی که در جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر با استقبال زیادی روبه‌رو شد. ماجرا درباره چند جوان خلاقکار اما خرده‌باد بود که در جریان تسویه‌حساب با یکی از بالادستی‌های خود ناخواسته با اتفاقاتی پیچیده و غیرمنتظره مواجه می‌شوند و به اقداماتی دست می‌زنند که شاید خودشان هم انتظارش را نداشتند. فضای فیلم بیشتر به آثار مرتبط با گروه‌گان گیری شبیه بود اما چالش احساسی شخصیت‌ها توانسته بود موقعیت جدیدی را بسازد. شخصیت‌ها هرکدام ویژگی‌های خاص خود را داشتندو در کنار هم توانسته بودند توازن جالبی ایجاد کنند.

**شهاب**

**بازیگر: شهاب حسینی**

در کنار نقش‌آفرینی تحسین‌برانگیز «جواد عزتی» و «امیر جدیدی» در نقش «شهرام» و «کسری»، یکی از درخشان‌ترین نقش‌آفرینی‌ها در «آفریقا» را «شهاب حسینی» دارد، به‌خصوص که او بیش از همه ساکت است و تصویری که از او در فیلم ارائه می‌شود، حاصل بازی «شهاب حسینی» در سکوت است. درون‌گرایی این کاراکتر در تضاد با برون‌گرایی اغراق شده دو کاراکتر دیگر، فضای جذابی برای قدرت‌نمایی «شهاب حسینی» به‌وجود آورده که او بهترین بهره‌برداري را از آن کرده است. کاراکتر «شهاب» در طول فیلم بیشتر نظاره‌گر است اما در بزنگاه‌های کلیدی، به فعال‌ترین عضو گروه و البته مؤثرترین آن‌ها تبدیل می‌شود.

**سیزده**



«سیدی» در فیلم «سیزده» باز هم روی زندگی چند جوان دست گذاشت که همگی از خانواده‌ها رانده شده بودندو هدف مشخصی در زندگی نداشتند. تمرکز اصلی روی زندگی پسر نوجوان ۱۳ ساله بود که پدر و مادرش در آستانه جدایی بودند و اهمیت خاصی به او

**نمای نزدیک**

<b>«حاج یونس فتوحی» در «میوه ممنوعه»</b>	<b>«بزرگ آقا» در «شهرزاد»</b>
	
در میان سریال‌های مناسبی تلویزیون به ویژه در کنداکتور ویژه ماه رمضان، هنوز هم «میوه ممنوعه» یکی از تحسین‌شده‌ترین و به یادماندنی‌ترین آثار است؛ سریالی که «حسن فتوحی» با نگاهی به داستان شیخ صنعان، آن را به تصویر درآورد و ایفای نقش اصلی آن را به «علی نصیریان» سپرد. «حاج یونس فتوحی»، مردی متمول و معتبر در خانه و جامعه است که به‌واسطه مواجهه با تجربه عشقی در پی‌ری، زندگی و اعتنازش را به یاد می‌دهد. قدرت بازیگری «علی نصیریان» در این نقش به‌گونه‌ای بود که با وجود قرار گرفتن «حاج یونس» در مقام یک مرد به‌ظاهر خیانتکار، مخاطبان مختلفی با او همدل شدند و این اتفاق سوای از فیلمنامه و کارگردانی «حسن فتوحی»، جز با درخشش بازیگر این نقش، محقق نمی‌شد!	هر چند همکاری «علی نصیریان» در یک فصل از سریال محبوب «شهرزاد» رقم خورد اما هم‌چنان یکی از اصلی‌ترین زنده‌هایی است که خاطره مواجهه با فصل اول این سریال را در حافظه مخاطبانش، ماندگار کرده‌است. «حسن فتوحی» که پیش‌تر همکاری‌های درخشانی را با «علی نصیریان» تجربه کرده بود، در گفت‌وگویی می‌گفت هر بار تصویری کردم با سقف بازیگری او مواجه شده‌ام اما در همکاری بعدی، باز هم شگفت‌زده می‌شدم و این حسی است که «فتوحی» در «شهرزاد» هم تجربه کرده: «بزرگ آقا» با نقش‌آفرینی «علی نصیریان» کاراکتر پیچیده و چند لایه در مرکز داستان سریال بود؛ کاراکتری به‌ظاهر بی‌رحم و ظالم که برای تضمین منافعی شیخ خط‌قرمزی ندارد و هم‌زمان دل در گروی یک عشق قدیمی دارد. ایفای نقش «نصیریان» در این مجموعه در کنار بازیگران جوان نام‌آشنای دیگر، یکی از جذاب‌ترین‌تر ترکیب‌های بازیگری در سریال‌های خانگی تا به امروز را رقم زد.

**نگاهی به ۳ سریال موفق و ماندگار «علی نصیریان»**

## خاطره بازی با استاد



تولید شده در تلویزیون ایران در سال‌های پای از پیروزی انقلاب تبدیل شود. «علی نصیریان» در این سریال که داستان‌ش برگرفته از مستندات تاریخی مرتبط با قیام سرداران بود، به شخصیتی جان‌بخشید که مابه‌ازای واقعی در تاریخ نداشته است اما جریان فکری مهمی را در داستان سریال، نمایندگی می‌کند. دیالوگ‌گویی شمرده و لحن خاص «علی نصیریان» به‌ویژه در زمان خطاب قرار دادن اهالی باشتین، تا سال‌ها در حافظه مخاطبان تلویزیون ماندگار شد. این بازیگر درباره ایفای نقش در این سریال گفته است: «من برای بازی در سریال سرداران ماهی ۱۵ هزار تومان حقوق می‌گرفتم که از این مبلغ ۷۵۰ تومان بابت مالیات کم می‌شد.»

«علی نصیریان»، استاد بلاعنازع بازیگری و یکی از وایسین بازماندگان نسل طلایی هنر نمایش در ایران، چندی پیش از تأثیر ضعف جسمی بر دوری‌اش از بازیگری گفته و اعلام کرده با تمام علاقه‌ای که به این حرفه دارد، جسمش برای نقش‌آفرینی‌های تازه با او همراهی نمی‌کند. «علی نصیریان» نه فقط بازیگری توانمند در سینما، تلویزیون و تئاتر ایران به‌شمار می‌رود که تجربه‌ها و خاطراتش، حکم تاریخ شفاهی هنر ایران را دارد. کتاب خاطراتی که سال گذشته از او منتشر شد، سرشار از ناگفته‌ها درباره رنگاه‌های مهم تحولات فرهنگی و هنری ایران زمین طی ۶ دهه اخیر بود و حالا او با اشاره به ناتوانی جسمی‌اش، عملا امکان حضور مجدد در مقابل دوربین در برای خود منتفی می‌داند. این خداحافظی تلویحی با جهان بازیگری از سوی یک اسطوره، بهانه‌ای شد برای خاطر دهبازی بر نقش‌هایش در سه سریال موفق و ماندگار تلویزیون و شبکه خانگی؛ «قاضی شارح»، سریال ماندگار «سربداران»، «حاج یونس فتوحی» سریال ماندگار «میوه ممنوعه» و «بزرگ آقا» سریال جذاب «شهرزاد».

**«قاضی شارح» در «سربداران»**

این یکی از نمونه‌های درخشان نقش‌آفرینی یک بازیگر در نقش یک کاراکتر به‌ظاهر تاریخی است که به‌واسطه تأثیرگذاری‌اش، تا سال‌ها برخی مخاطبان تصور می‌کردند که این شخصیت، برخاسته از واقعیت تاریخ است! «قاضی شارح» یا «قاضی شارح» شخصیت به‌یادماندنی از سریال محبوب «سربداران» است که «محمدعلی نجفی» آن را در اوایل دهه ۶۰ مقابل دوربین برد تا به یکی از اولین سریال‌های پر مخاطب